

بررسی حقوق زوجه در نکاح و طلاق

تالیف:
افشین دوباش

ویراستار:
سعید آینه بندی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۵

فهرست مطالب

۷.....	پیشگفتار.....
۱۱.....	مقدمه.....
۱۳.....	فصل اول.....
۱۳.....	بررسی و شناخت کلی حقوق زن در قانون.....
۲۷.....	فصل دوم.....
۲۷.....	بررسی و تحلیل شرایط نکاح زوجه.....
۳۷.....	فصل سوم.....
۳۷.....	بررسی و شناخت طلاق و ماهیت آن.....
۵۹.....	فصل چهارم.....
۵۹.....	ماهیت و بررسی حقوقی عده و عسر و حرج زوجه.....
۹۷.....	جمع بندی نهایی.....
۱۰۱.....	منابع و ماخذ.....

مقدمه

طلاق یکی از مباحث مهم حقوق مدنی است که امروزه اصلی‌ترین مشکل و خواسته‌ی مطروحه در دادگاه‌های خانواده را تشکیل می‌دهد. هر چند حق طلاق با مرد است اما علماء دین و به تبع آنها قانونگذار در قانون مدنی مفری برای زنان در نظر گرفته‌اند تا در صورتی که ادامه‌ی زندگی بنا به هر دلیلی برای زن ایجاد خطر روحی و جسمی و حیثیتی نماید بتواند خود را از آن مملکه نجات دهد. این مضر و مستمسک چیزی نیست جز (قاعده‌ی عسر و حرج و شرط ضمن عقد).

خداوند حکیم تکلیف خارج از طاقت را بر انسان روا نداشته است. توجه دین خاتم(ص) به ضرورت وجودی طلاق موجب بازگردان راه‌هایی زوجین از ورطه‌های زندگی مشقت‌بار است. زندگی که براساس تفاهم و عشق نبوده سد راه هدف نهایی آفرینش می‌باشد. زندگی زناشویی بر خلاف عقود دیگر، یک علقه‌ی طبیعی است نه قراردادی. و آن‌گاه که این علقه‌ی طبیعی از بین برود هیچ قانونی نمی‌تواند زن را به شوهر و یا شوهر را به زن متصل نماید. مشکلات عدیده‌ای که از دادن حق یکطرفه‌ی طلاق به زوج در اجتماع‌ها وجود دارد عدم آشنایی عامه‌ی مردم از حقوق خویش خصوصاً زنان است.

نداشتن درآمد مالی و عدم حمایت مالی و معنوی لازم از طرف خانواده و اجتماع و ترس از فقر بیشتر و نداشتن مأمن و پناهگاه باعث شده که ما بعضاً شنونده‌ی اخبار کتک خوردن روزمره‌ی زنان توسط مردان بی‌ایمان معتاد و خشن باشیم و جز لبخند تأسف و اندکی تفکر، کاری از دست ما برنیاید. مهمترین هدف این کتاب تبیین حق خلاصی زن از فشار ممتد روحی ناشی از یک زندگی فلاکت‌بار است و آن مرحله از زندگی است که در آن باید پذیرد که شخصیت خویش را نادیده بگیرد و برده باشد و یا زندگی را ترک نموده به اقربای نسبی یا با عدم آن‌ها به اقربای سببی و دوستان خویش پناه ببرد و یا این‌که به دادگاه مراجعه نموده ضمن تقدیم دادخواست طلاق ادعای عسر و حرج نماید. در این صورت بار اثبات آن بر دوش خودش خواهد بود و چنانچه عسر و حرج وی در محکمه ثابت شود. دادگاه می‌تواند زوج را



به اجبار وادار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نشد زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می شود.

فصل اول

بررسی و شناخت کلی حقوق زن در قانون



قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با عنایت به مقام و منزلت زن در تفکر اسلامی علاوه بر اختصاص چندین اصل به حقوق زن، به نحو بسیار رسا و مطلوبی در مقدمه‌ی آن جایگاه و ارزش زن را ترسیم نموده و به طور خاص به رعایت حقوق این قشر عظیم توجه داده است.

یک سری اصول در رابطه با حقوق زن در ق.ا وجود دارد که عبارت است از:

۱- بند ۱۴ از اصل سوم. جهت نمایاندن تساوی حقوق زن و مرد و تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی زنان، یکی از وظایف دولت را (تأمین حقوق همه‌جانبه‌ی افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون) بر می‌شمرد.

۲- همچنین در اصل هشتم از اصول کلی قانون اساسی همان‌گونه که مردان را موظف به اصلاح جامعه از طریق امر به معروف و نهی از منکر می‌نماید زنان را نیز از این امر مستثنی نکرده و این وظیفه‌ی اساسی و مهم را برعهده‌ی آنان نیز نهاده است و همه‌ی آنان را با رعایت قانون امر به دعوت به خیر و اشاعه‌ی ارزش‌های انسانی و الهی و جلوگیری از ضدارزش‌ها و منکرات نموده است.

۳- سپس در فصل سوم (حقوق ملت) ضمن این که در جمیع حقوقی که برای مردم ایران برمی‌شمرد و تمامی آحاد آن را اعم از زن و مرد یکسان در نظر می‌گیرد، بعلاوه در اصول ۲۰ و ۲۱ همین فصل به طور خاص از حقوق زنان و تساوی آنان با مردان در این راستا چنین آورده است:

اصل بیستم: (همه‌ی افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه‌ی حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلامی برخوردارند)

اصل بیست و یکم: (دولت موظف است حقوق زن را در تمام جهات با رعایت موازین اسلامی تضمین نماید و امور زیر را انجام دهد:

۱- ایجاد زمینه‌های مساعد برای رشد شخصیت زن و احیای حقوق مادی و معنوی او ۲- حمایت مادران بالخصوص در دوران بارداری و حضانت فرزند و حمایت از کودکان

بی سرپرست ۳- ایجاد دادگاه صالح برای حفظ کیان خانواده ۴- ایجاد بیمه‌های خاص بیوگان و زنان سالخورده و بی سرپرست ۵- اعطای قیومیت فرزندان به مادران شایسته در جهت غبطه‌ی آن‌ها در صورت نبودن ولی شرعی^۵

مهم‌ترین قوانین مربوط به حقوق خانواده، از زمان قانونگذاری تاکنون عبارتند از: مقررات راجع به ازدواج مصوب ۱۳۱۰، قانون مدنی مصوب ۱۳۱۳، قانون حمایت از خانواده ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳، قانون تشکیل شورای خانواده، لایحه قانون دادگاه مدنی خاص مصوب ۱۳۵۸، قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۱۳۷۰ مجلس شورای اسلامی و ۱۳۷۱ مجمع تشخیص مصلحت، قوانین مربوط به حق حضانت و سرپرستی و قانون مربوط به مهریه.^۶ یکی از موارد حقوق زن نفقه است:

در م ۹ قانون ازدواج سال ۱۳۱۰ آمده است (نفقه زن بر عهده‌ی شوهر است. نفقه عبارتست از مسکن و لباس و غذا و اثاث‌البیت متناسب) و در م ۱۰ این قانون مقرر شده است: (زن می‌تواند در مورد استنکاف شوهر از دادن نفقه به محکمه رجوع کند در این صورت محکمه میزان نفقه را معین و شوهر را به دادن آن محکوم خواهد کرد. هر گاه اجرای حکم مزبور ممکن نباشد زن می‌تواند برای تفریق از طریق محاکم عدلیه به محاکم شرع رجوع کند)

قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ در م ۱۲ و ۱۶ و آئین‌نامه‌ی اجرایی قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶ در م ۱۲، دیدگاه قانون ازدواج سال ۱۳۱۰ در مورد نفقه را تأیید کرده است. قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ در م ۱۹ و ۱۲ و ۱۸ به مسئله نفقه با همان دیدگاه پرداخته است و در عقد دائم نفقه‌ی زن را برعهده‌ی شوهر دانسته است. این حکم که در فقه اسلامی مطرح شده است نشان‌دهنده‌ی توجه شدید اسلام به زن در مسائل مالی و اقتصادی است زیرا اسلام از یک طرف به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده است و از طرف دیگر با

^۵ - شعبانی. قاسم، حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۰۱

^۶ - دکتر ناصر کاتوزیان، حقوق مدنی، خانواده، ج اول، ص ۶۸



برداشتن مسئولیت تأمین بودجه‌ی خانواده از دوش زن او را از دویدن به دنبال پول معاف کرده^۷

یکی دیگر از موارد حقوق زن حضانت است:

خانواده اولین و مهمترین هسته‌ی تشکیل دهنده‌ی جامعه است که فرزندان را پرورش می‌دهد و آینده‌ی جامعه را تضمین می‌کند. فقه اسلام و به پیروی از آن حقوق ایران نیز به مسئله‌ی اطفال و تربیت و اداره‌ی مالی و معنوی آنان توجه خاصی کرده است و حضانت اطفال را حق و تکلیف والدین آنها می‌داند. در م ۱۱۷۱ قانون مدنی مقرر شده است: (در صورت فوت یکی از ابویین حضانت طفل با آن‌که زنده است خواهد بود هر چند متوفی پدر طفل بوده و برای او قیم معین کرده باشد) همین حکم در سال ۱۳۶۰ تحت عنوان قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا محجور به مادران آنها در یک ماده به تصویب رسید.^۸

یکی دیگر از موارد حقوق زن طلاق است:

در مواد ۱۰۲۶ و ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ ق.م مقرر گردیده زن در موارد خاصی می‌تواند از دادگاه تقاضای طلاق کند. در قانون مدنی برای درخواست زن موجباتی پیش‌بینی شده که مرد بر طبق آنها حق درخواست گواهی عدم امکان سازش ندارد، زن به علت سوء رفتار شوهر و ترک تکالیف زناشویی و غیبت بیش از ۴ سال می‌تواند درخواست طلاق کند. اما این موارد در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۵۳ به چهارده مورد برای صدور گواهی عدم امکان سازش ذکر کرده^۹ و پس بر اساس مواد ۱۱۲۹ و ۱۱۳۰ ق.م در موارد زیر طلاق به درخواست زن صورت می‌گیرد:

۱- استنکاف یا عجز شوهر از دادن نفقه م ۱۱۲۹ ق.م

۲- عسر و حرج م ۱۱۳۰

^۷ - مطهری. مرتضی، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۳۱

^۸ - دکتر صفایی و دکتر امامی، پیشین، ج ۲، ص ۱۹۳

^۹ - دکتر صفایی، دوره‌ی مقدماتی حقوق مدنی، ج ۱، ص ۱۵۹

۳- غیبت شوهر بیش از چهار سال م ۱۰۲۹

۴- وکالت زن در طلاق م ۴ ق ازدواج سال ۱۳۱۰ و م ۱۱۱۹ ق. م سال ۱۳۱۳^{۱۰}

ب) فصل دوم: ازدواج (نکاح)

حدود ۹۵ درصد از آدمیان در برهه‌ای از زمان ازدواج می‌کنند و دلیل خوبی نیز برای این کار وجود دارد. داده‌ها حاکی از آن است که افراد متأهل از لحاظ روانی و جسمانی نسبت به افراد مجرد کارکرد بهتری دارند. همچنین ازدواج با شادکامی بیشتر رابطه دارد. روانشناسان معتقدند که یک ازدواج خوب از لحاظ روانی خاصیت درمانی داشته و می‌تواند به شخص در غلبه بر عوارض ناخوشایند کودکی کمک کند.^{۱۱}

ازدواج برای کسی که امکان آن راغ دارد و از واقع شدن در حرام به واسطه‌ی ترک آن نمی‌هراسد مستحب مؤکد و غیر این صورت واجب است. فضیلت نکاح میان مسلمانان مشهور و در اسلام قطعی است تا آن‌جا که شخص با ازدواج نیمی از دینش را حفظ می‌کند. لازم است مرد برای ازدواج دوشیزه‌ای پارسا و دارای اصالت خانوادگی که والدینش درستکار و با ایمان باشند برگزیند و بدون توجه به اصالت و عفت تنها به زیبایی و ثروت بسنده کند.^{۱۲}

پیامبر اکرم (ص) فرمود: از گیاهان رویه در لنتزار پرهیز کنید. گفته شد: ای پیامبر مراد چیست؟ فرمود: زن زیبارویی که در خانواده‌ای ناشایست پرورش یافته است.^{۱۳}

امام صادق (ع) روایت شده است: اگر انسان با زنی به خاطر زیبایی یا داراییش ازدواج کند، با همان خواسته‌اش رها می‌شود، ولی اگر به خاطر دینداریش با او پیمان ازدواج ببندد، خداوند هر دو را روزی او نماید^{۱۴} ازدواج شرایطی دارد که در بخش دو مبه طور مفصل توضیح داده می‌شود.

^{۱۰} - ر.ک. به ناصر کاتوزیان

^{۱۱} - نظر محقق

^{۱۲} - دادمرزی، سید مهدی، فقه استدلالی، ص ۴۴۸

^{۱۳} - وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب ۱۳، ص ۲۹

^{۱۴} - وسائل الشیعه، از ابواب مقدمات نکاح، ص ۳۰



ج) فصل سوم: طلاق

ازدواج و تشکیل خانواده از بنیان‌های خویشاوندی در هر جامعه به شمار می‌رود. در اسلام پیمان زناشویی و تشکیل خانواده دارای اهمیت خاصی است و مسلمانان به وسایل گوناگون به این امر تشویق شده‌اند. در مقابل طلاق به عنوان پدیده‌ای ناپسند و مغضوب تلقی شده است. طلاق مهمترین عامل درهم گسیختگی ساختار بنیادی‌ترین بخش جامعه یعنی خانواده است.^{۱۵} طلاق در لغت به معنای رها شدن از عقد نکاح و فسخ کردن نکاح بود و پدیده‌ای است قراردادی که به زن و مرد امکان می‌دهد تا تحت شرایطی پیوند زناشویی خود را گسیخته و از یکدیگر جدا شوند. طلاق بر انحلال یک ازدواج رسمی در زمانی که طرفین هنوز در قید حیاتند و بعد از آن آزادند تا دوباره ازدواج کنند دلالت دارد متفکران و جامعه‌شناسان طلاق را یکی از آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌آورند. بالارفتن میزان آن را نشانه‌ی بارز اختلال در اصول اخلاقی و برهم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی محسوب می‌کنند. در ایران نیز مانند دیگر کشورهای جهان طلاق سابقه‌ی طولانی دارد و می‌توان گفت که سابقه‌ی این امر به نخستین روزهای تشکیل خانواده و ایجاد جوامع انسانی باز می‌گردد.^{۱۶} طلاق انواع مختلفی دارد که در بخش سوم به طور مفصل توضیح داده خواهد شد.

د) فصل چهارم: عسر و حرج

حرج در اصل به معنای تنگنا و ضیق است. ابن اثیر گفته است:
الحرج فی الاصل الضیق و يقع علی الاثم والحرام... و قد تكرر فی الحدیث کثیراً، فمعنی قوله: حدثوا عن بنی اسرائیل و لاحرج ای لا بأس و لا اثم علیکم ان تحدثوا عنهم ما سمعتم.^{۱۷}

^{۱۵} - نظر محقق

^{۱۶} - برآورد آسیب‌های اجتماعی در استان بوشهر (آذر ۸۳)

^{۱۷} - ابن منظور، لسان‌العرب، ماده حرج